

**Predigt zum Ewigkeitssonntag, 24.11.2024,  
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK),  
Pfr. Gerhard Triebe**

Psalm 126:

**1! هنگامی که خداوند ما را از اسارت به اورشلیم باز آورد، فکر کردیم که خواب میبینیم**

**سپس دهان ما از خنده پر شد و سرود شادی سر دادیم! آنگاه قومهای دیگر درباره ما گفتند: «خداوند 2  
»! برای بنی اسرائیل کارهای شگفتانگیز کرده است**

**3 آری خداوندا، تو برای ما کارهای شگفت انگیز کرده ای و ما را آزاد ساخته ای**

**4 ای خداوند، آنچه را از دست داده ایم به ما بازگردان؛ چنانکه باران، آب را به زمین خشک باز میگرداند**

**5! بگذار آنانی که با اشک میکارند، با شادی درو کنند**

**6. کسانی که با امید و انتظار بیرون رفته بدر می افشانند، با شادی محصول خود را باز خواهند آورد**

جامعه عزیز، در یک آگهی تبلیغاتی در رادیو که در حال حاضر بیشتر می توانید آن را بشنوید، مردی فریاد می زند: "عزیزم، آیا تو هنوز در وان حمام هستی؟" شنا کردن در دریای فیروزه‌ای! سپس از شنوندگان خواسته می‌شود که رویاپردازی نکنند، بلکه سفری را رزرو کنند. در نهایت، می توان درک کرد که رویا تنها در تعطیلات بعدی پیشروی واقعیت مورد انتظار خواهد بود

دعاهای مزمور 126 خواب تعطیلات بعدی خود را ندارند، اما آنها نیز سفری را برنامه ریزی کرده اند مزامیر به اصطلاح «سرود زیارتی» معرفی شده است. قوم بنی اسرائیل در سفرهای زیارتی خود به بیت المقدس چنین سرودهایی می خواندند. این آهنگ در اینجا زمان شادی و شگفتی را در رهایی از اسارت توصیف می کند، اما در عین حال آگاهی از این که راه رسیدن به شادی کامل و تحقق امیدها بدون رنج و اشک نمی رسد

در این آیات تصویر عمیقی از زندگی مؤمنان می‌یابیم - زندگی‌ای که با شادی و غم، امید و ناامیدی مشخص می‌شود، بلکه با این وعده که خداوند راه رسیدن به هدف را همراهی می‌کند

**لذت رستگاری 1.**

وقتی خداوند اسیران صهیون را فدیة خواهد داد، ما مانند کسانی خواهیم بود که خواب می بینند «(آیه 1)» - این تصاویری از روزهای گذشته را به ذهن متبادر می کند: مردم اسرائیل - آنها در تبعید در بابل هستند به چشم اندازی جدید امیدوارند. این تجربه تبعید در بابل باید یک کابوس بوده باشد، که مسلم است. در اینجا در ترجمه لوتر آمده است: «ما مانند کسانی خواهیم بود که رویا می بینند. چیزی که ما به عنوان کلمه امید می شنویم در مقطعی برای کسانی که مزمور می خواندند اتفاق افتاد. متن اصلی عبری می‌گوید: «وقتی خداوند اسیران صهیون را بازگرداند، ما مانند خیال‌پردازان بودیم». این تقریباً خیلی خوب بود که درست باشد. اورشلیم، شهر روی کوه، دوباره بازسازی شد. طبق روایت‌های عزرا و نحمیا، یک بار دیگر می‌توان رویای سرزمین خود را داشت، نشستن زیر درخت تاک خود در آرامش و امنیت. باورش سخت بود که خدا اینقدر قدرتمندانه و مهربانانه مداخله کرده باشد. شادی آنقدر زیاد بود که به نظر می‌رسید یک رویا است

تصویر رویا نشان دهنده غرق شدن در اعمال خداوند است که بسیار فراتر از آن چیزی است که فرد انتظار داشت. لحظه ای است که در آن انسان فقط می تواند شگفت زده و سپاسگزاری کند زیرا می فهمد که همه چیز از روی لطف اتفاق می افتد. خداوند کارهای بزرگی برای ما انجام داده است - و به همین دلیل ما خوشحالیم!

خداوند هم کارهای بزرگی برای ما انجام داده است. در غسل تعمید خود از قدرت تاریکی نجات یافتیم، از نفرین زودگذر و بیهودگی رهایی یافتیم و در خانواده خدا پذیرفته شدیم. نمی دانم در دریای فیروزه ای شنا خواهیم کرد یا نه، اما جایی در بهشت خواهیم گرفت. ما می توانیم از کمک خدا استفاده کنیم و مراقبت و برکت او را هر روز تجربه کنیم. و آیا گاهی رویا به نظر نمی رسد که چگونه او ما را حفظ و نجات داد، مثلاً از طریق بیماری و تصادف، از طریق بحران ها و درگیری ها، از طریق ترس ها و ضررها خداحافظی ها و شروع های جدید؟ خدا با قرب و محبتش همیشه آنجا بود تا به ورطه نیفتیم. چقدر بارها در تشییع جنازه خندیدید - به خاطر سپاسگزاری از تجربیاتی خوبی که با آن مرحوم داشتید

## II. دوم به امید رستگاری در آینده

اما البته - ضرر وجود دارد. برخی از خداحافظی ها هنوز درد دارند، برخی از امیدها برآورده نشده اند برای اسرائیلی ها در آن زمان بیش از دلیلی برای خنده و شادی پس از بازگشت شگفت انگیزشان وجود داشت. البته تو برگشتی خونه خدا او را ننوشته بود و فراموشش نکرده بود و اکنون دوباره در دسترس او بود. اما بازسازی معبد در اورشلیم دشوار بود. این امر در مورد خانه ها و زیرساخت ها نیز صدق می کرد. همه جا کمبود مواد و پرسنل وجود داشت. سرخوشی پس از آزادی مبارک جای خود را به سرخوردگی بزرگ داده بود. به همین دلیل است که این سرود زیارتی در اینجا با درخواست التماس ادامه می یابد: «خداوندا، اسیران ما را باز گردان، چنانکه نه‌های جنوب را باز می گردانی» (آیه 4). پس از یادآوری شادی رهایی، از خداوند خواسته می شود که دوباره مداخله کند و بر پریشانی کنونی غلبه کند کلمه "جوشها در سرزمین جنوبی" تصویری جدید و عالی از امید را ترسیم می کند: سرزمین جنوبی به صحرای نقب، قدیمی ترین بیابان شناخته شده روی زمین اشاره دارد. باران به ندرت در آنجا می بارد و آب معمولاً به سرعت در بسترهای خشک رودخانه بیرون می ریزد. اما اگر خدا باران زمستانی خوبی را بفرستد، آنگاه آنها می توانند حتی پس از یک خشکسالی طولانی دوباره جاری شوند و کویر به ظاهر مرده، به زندگی رنگارنگ و باشکوهی شکوفا شود. هرکسی که تا به حال فیلم «زندگی کویر» را دیده باشد مطمئناً عمیقاً تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. این درخواست بیانگر تمایل به طراوت و زندگی است که از طریق باران می آید. این به معنای درخواست برای کمک مجدد خداوند است. این فراخوانی است برای زندگی با توکل به خدا، حتی اگر هنوز نیاز به طور کامل برطرف نشده باشد

پس ما نیز می توانیم با پرسشها، ناامیدیها، نیازها و دردهایمان به خدا روی آوریم. او در گذشته بارها و بارها کمک کرده بود. وعده های او همچنان اعمال می شود و بارها و بارها ثابت کرده اند که در طول مسیر تا این مرحله قابل اعتماد هستند. این به ویژه در این یکشنبه ابدی، زمانی که ما مردگان خود را به یاد می آوریم، صادق است. خدا او را نیز در غسل تعمید آزاد کرده بود، اما رستاخیز فیزیکی او هنوز در انتظار است. شکافی که پشت سر گذاشتند هنوز هست. اما ما توانستیم اولین قدم های خود را بدون آنها برداریم برخی از امکانات خود را دوباره کشف کردیم و بارها از بیرون کمک گرفتیم. و ما باید عزیزان خود را دوباره ببینیم، همانطور که شاگردان عیسی پس از عید پاک دوباره او را دیدند. به همین دلیل است که امروز ما باید نه تنها به گذشته نگاه کنیم، بلکه باید به چگونگی شکوفایی آن - و ما - در زندگی جدید، رنگارنگ و باشکوه نیز نگاه کنیم

## برداشت پس از کاشت اشک. III.

حالا بیا بید "با اشک بکاریم." ما چیزی یا کسی را که فوری به آن نیاز داشتیم هدیه می دهیم. مثل یک کشاورز است که به سختی مخارج زندگی خود را می گذراند: اکنون دردناک است که مقداری از غلات

گرانها را در زمین بیاندازیم، که او می تواند فوراً برای تغذیه خانواده خود در چند هفته آینده استفاده کند. اما این تنها راهی است که می تواند سال آینده دوباره رشد کند. این تنها راهی است که می توان برداشتی شاد داشت

تصویر کاشت و درو روشن می کند که در مواقع سختی و اشک، پایه شادی گذاشته می شود: "کسانی که با اشک می کارند، با شادی درو خواهند کرد." 1. نامه به قرنیتیان: «آنچه بکارید زنده نمی شود مگر اینکه بمیرد، بر این اساس، قبرستان در گذشته غالباً «مزرعه خدا» نامیده می شد و به همین دلیل است که ما اغلب در آنجا با پولس رسول می گوئیم. : «فاسد کاشته می شود و فسادناپذیر برمی خیزد. در پستی کاشته می شود و در شکوه بر می خیزد. در ضعف کاشته می شود و با قدرت زنده می شود. بدن طبیعی کاشته می شود و «بدن روحانی زنده می شود»

آنگاه دهان ما پر از خنده و زبان ما پر از فخر خواهد شد، سپس اسرالیان با این سخن بر لبان خود و در «دل خود به محل حضور خدا رفتند.» و نزدیکی و یاری او را تجربه کردند. آنها تجربه کردند که چگونه او سرانجام مسیح، نجات دهنده و نجات دهنده را از همه مشکلات فرستاد. دوره های غم، درد و ناامیدی بیهوده نبود. آنها بدر شادی آینده بودند

بنابراین امروز ما نیز می توانیم این کلمه کوچک «آنوقت» را بدست آوریم و راه خود را با آن ادامه دهیم. ما می توانیم آن را به پلتفرم تماشا خود تبدیل کنیم، به خصوص امروز. زیرا ما آن را "یکشنبه ابدی" می نامیم. امروز، در یکشنبه ابدی، ما به آن طرف نگاه می کنیم، از اسارت خود خارج می شویم، از ترس خود غلبه می کنیم، محدودیت های دیگر خود را پشت سر می گذاریم و چند پله را تا سکوی تماشا بالا می رویم

و از آنجا متوجه می شویم: بله، این پس وجود دارد - برای ما نیز! قرائت های این یکشنبه آن را در مقابل چشمان ما ترسیم کرده است. تصویری از رساله وجود دارد که یوحنا بیننده مجاز به دیدن آن است: یک بهشت جدید، یک زمین جدید. بدون رنج، بدون غم، بدون درد. و خدا با دستمالی بزرگتر از ملحفه آنجاست "و اشکها را پاک می کند و می گوید: "اینک من همه چیز را نو می سازم

و از انجیل تصویر عروسی - در کتاب مقدس بارها و بارها تصویری است از اینکه چگونه خدا با قوم خود مشارکت می کند. بله، او این جامعه را می خواهد - و نمی خواهد که نیمی از آن در نهایت بیرون از در بمانند

با در نظر گرفتن این تصاویر، ما روی سکوی تماشا می ایستیم و می توانیم آنچه را که فراتر از افق اتفاق می افتد تصور کنیم. با در نظر گرفتن این تصاویر به سمت قبرستان ها می رویم. و با در نظر گرفتن این تصاویر، ما همچنین یک سکوی دید کوچک در اینجا در جلو داریم: در محراب، که به آن صعود می کنیم تا با خدا مشارکت داشته باشیم، نزدیکترین معاشرت، که در آن در بدن مسیح شرکت می کنیم و از آن استفاده می کنیم. آن را برای پر کردن روغن در چراغ های ما. سپس، بله: آنگاه گویی ما به همه کسانی متصل بودیم که اکنون اجازه دارند آنچه را که در پشت افق است ببینند

اشک های بسیار بیشتری در میان ما ریخته خواهد شد و "شب های بسیار بیشتری بر رنج و گناه انسان فرو خواهد رفت." اما با این «آنگاه» در دل و روی لب هایمان، به سوی شادی بزرگ، به سوی خرمن می رویم، همان طور که مزمور ما به پایان می رسد: «می روند و می گردند - و دانه هایشان را می پاشند - و با شادی می آیند - و می آورند. آمین